

نویسنده: شکسپیر

اثر: قرن شانزده میلادی

از: غزلواره ها

درس هجدهم: عشق جاودانی

❖ ویلیام شکسپیر نویسنده قرن شانزدهم انگلستان است. وی یکی از معروفترین شاعران پر آوازه در جهان و بزرگترین نمایشنامه نویسی مطرح در دنیا و معنشی است. مجموعه غزلواره های عاشقانه از شاهکارهای اوست. بخشی از آن را با نام «عشق جاودانی» با هم مرور کنیم.



شناسنامه: بخش ادبیات جهان

قالب:

درون مایه:

☆ آیا چیزی در مخیله آدمی می گنجد که قلم بتواند آن را بنگارد، / اما جان صادق من آن را برای تو ترسیم نکرده باشد؟

قلمرو زبانی: مخیله: ذهن، خیال، قوه تخیل / مرجع «تو»: دلبر و معشوقه سراینده / پرسش انکاری: / صادق: راستگو، روراست / قوه تخیل: متمم / مخیله آدمی: ترکیب اضافی / می گنجد: مضارع اخباری / قلم: نهاد / آن: ضمیر (نقش مفعول) / مرجع ضمیر: چیز / بتواند، بنگارد: مضارع التزامی / سطر اول: جمله مرکب (که: پیوند وابسته ساز) / اما: پیوند همپایه ساز / جان: نهاد / مخیله آدمی: ترکیب اضافی / جان صادق: ترکیب وصفی / جان من: ترکیب اضافی / آن: ضمیر (نقش مفعولی) / مرجع ضمیر: چیز / تو: متمم

قلمرو ادبی: قلم ... بنگارد: مجاز یا جانبخشی / جان صادق ... ترسیم نکرده باشد: تشخیص / تناسب: قلم، نگاشتن، ترسیم

بازگردانی: هیچ چیزی نیست که در ذهن انسان بگنجد و قلم بتواند آن را بنویسد، ولی جان و روح صادق من، آن را برای تو ننوشته باشد و به تصویر نکشیده باشد. (من عاشقم و همه توانم را به کار می گیرم تا بتوانم با قلم خود تخیلات خود را برای تو بیان کنم و آنچه را لازم است برای تو بنویسم.)

قلمرو فکری: / پیام: نهایت کوشش برای جلب رضایت

معشوق

☆ چه حرف تازه ای برای گفتن مانده است یا چه چیز تازه ای برای نوشتن / که بتواند عشق مرا یا سجایای ارزشمند تو را بازگو کند؟

قلمرو زبانی: سجایا: ج سجیه، خواها و عادت ها / «یا» پیوند: همپایه ساز / چه: وابسته پیشین (صفت پرسشی) / چه حرف تازه: دو ترکیب وصفی / گفتن، نوشتن: متمم / مانده است: ماضی نقلی / حرف تازه: ترکیب وصفی / چیز تازه: ترکیب وصفی / حذف فعل (مانده است) در جمله دوم: به قرینه لفظی / جمله چه حرف تازه ای... بازگو کند؟: جمله غیرساده یا مرکب (که: پیوند وابسته ساز) / عشق: مفعول / عشق من: ترکیب اضافی / سجایا (ج سجیه): طبایع، خلق و خوی ها، عادت ها: معطوف به مفعول / سجایای ارزشمند: ترکیب وصفی / سجایای تو: ترکیب اضافی.

قلمرو ادبی: مراعات نظیر: حرف، گفتن / مراعات نظیر: گفتن، نوشتن / واژه آرای: تازه ای / حرف: مجاز از سخن

بازگردانی: حرف تازه ای برای گفتن نمانده است و چیز تازه ای برای نوشتن نیست و دیگر هیچ سخنی که بتواند عشق من و یا خوبی های

ارزشمند تو را به همه نشان دهد، نیست. (تمام گفتنی ها را در باب عشق برای تو بیان کرده ام).

قلمرو فکری: / پیام: ناتوانی قلم در بیان عشق

☆ هر روز باید ذکری واحد را مکرر بخوانم / و آنچه را قدیمی است، قدیمی ندانم: «که تو از آن منی، و من از آن تو»، درست مانند نخستین باری که نام زیبای تو را تلاوت کردم.

قلمرو زبانی: ذکر: یاد، ورد / مکرر: تکرار شده، پیوسته / عشق قدیم: همان عشق جاودانی که ازلی و ابدی است / آن من: مال من / تلاوت: قرائت،

خواندن / هر روز: ترکیب وصفی / ذکر: مفعول / مکرر: قید (هم خانواده تکرار) / بخوان: مضارع التزامی / آنچه: مفعول / آن تو: متمم در جایگاه

مسند / درست: قید / نخستین بار: ترکیب وصفی (نقش متممی) / نام: مفعول / نام زیبا: ترکیب وصفی / نام تو: ترکیب اضافی

قلمرو ادبی: آرایه عکس: تو از آن من، من از آن تو / تکرار: قدیمی

بازگردانی: با گفتن این سخن (ذکر) که «تو برای من هستی و من به تو تعلق دارم»، من عشق را از قدیم بودن خارج می کنم. حتی اگر هر روز

هم بگویم عاشق هم هستیم، تکرار این حرف، آن شکوه و زیبایی را از بین نمی برد. ابراز عشق، قدیمی و کهنه نمی شود و طراوت دارد. همیشه

درست مثل روز اول نام تو را عاشقانه صدا می زنم.

قلمرو فکری: / پیام: عشق عاشق به معشوق همیشه تازه است / جاودانی

بودن عشق

☆ این گونه است که عشق جاودانی، همواره معشوق را جوان می بیند.

قلمرو زبانی: عشق جاودانی: نهاد / جاودانی: واژه دو تلفظی / همواره: قید / جمله مرکب (که: پیوند وابسته ساز) / معشوق: مفعول جوان: مسند /

می بیند: مضارع اخباری

قلمرو ادبی: عشق: استعاره، تشخیص / اشتقاق: عشق و معشوق

بازگردانی: عشق جاودان، در پی ظاهر نیست، اینگونه عاشق همیشه معشوق را جوان می بیند. نفس و باطن عشق زیباست.

قلمرو فکری: / پیام: عاشق همیشه معشوق را در بهترین مراتب تصور می

کند .